

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد

اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)

تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۱۲/۹۲۲۴ رده بندی کنگره: ح ۲۴/۹۱۱۸

مقایسه تطبیقی نظریه های تربیتی ملاصدرا و جان دیویی

لیلا یعقوبی

پژوهشگر و محقق

چکیده

تعلیم و تربیت اسلامی اهمیت ویژه ای برای انسان قائل است که در راستای آن شناخت ابعاد وجودی انسان نیز تحقق می یابد، از طرفی هدف اساسی فلسفه تربیت در انسان، تقویت و رشد کمال عقلانی است. پژوهش حاضر، در صدد است با بررسی اصول و مبانی تربیتی از دیدگاه، ملاصدرا و جان دیویی پاسخی برای تربیت انسان داشته باشد زیرا آموزش تفکر و تربیت عقلانی و گسترش آن از مهمترین مبانی فلسفه است. مبانی تربیتی ملاصدرا به عنوان فیلسوف متأله و مسلمان بر پایه اعتقادات اسلامی استوار است و کمال و نهایت تربیت نفس انسان را در تقرب به پروردگار می داند. از طرف دیگر جان دیویی به عنوان یکی از بزرگترین صاحب نظران تعلیم و تربیت در غرب که منشأ تحولات عمده در این عرصه می باشد مورد توجه است. در مبانی تربیتی بین آن دو اختلافات فراوانی هست؛ همچون اعتقاد به خدا، مختار بودن انسان و دو بعدی بودن او از نظر ملاصدرا و عدم آزادی اراده و مادی محض بودن انسان توسط دیویی. از طرفی در برخی مبانی مانند توانایی انسان برای شناخت اشتراک نظر دارند. از مشترکات این دو متفکر در اصول تعلیم و تربیت میتوان به دو اصل مهم و اساسی تلازم علم و عمل و اصل فعالیت اشاره کرد.

واژگان کلیدی: ملاصدرا، جان دیویی، نظریه های تربیتی



مقدمه

یکی از مهمترین نیازهای بشر نیاز به تعلیم و تربیت است. در تمام جوامع بشری تعلیم و تربیت از اهمیت بسیاری برخوردار است و از آنجا که یکی از وجوه تمایز انسان از سایر مخلوقات ویژگی تربیت پذیری اوست که راه رسیدن به کمال است و هیچ کاری بدون آموزش به موفقیت نائل نمی شود، مقایسه نظریه های تربیتی اندیشمندان و فیلسوفان ضرورتی انکارناپذیر دارد اما بررسی آراء تربیتی تمام اندیشمندان در مجال اندک ممکن نیست لذا از اندیشمندان اسلامی ملاصدرا و از میان فیلسوفان غربی، جان دیویی را برای این قیاس برگزیدیم. ملاصدرا از اندیشمندان و فیلسوفان بزرگ جهان اسلام است که دیدگاه ویژه ای به تعلیم و تربیت دارد. جان دیویی نیز پراگماتیسم آمریکایی است که در تفکر و فلسفه ی آمریکایی و نیز در تحولات مهم آموزش و پرورش در قرن بیستم نقش بسزایی ایفا کرده است . در این پژوهش بر آنیم که اصول و مبانی تربیتی این دو فیلسوف را بررسی و مقایسه نماییم.

بخش اول: مروری کوتاه بر زندگانی ملاصدرا

صدرالدین محمد بن ابراهیم شیرازی مشهور به ملاصدرا، فیلسوف، عارف و بنیانگذار مکتب فلسفی حکمت متعالیه به عنوان سومین مکتب مهم فلسفی در جهان اسلام. وی به صدرالحکما و صدر المتألهین نیز معروف است. او نظام فلسفی خود را در مهمترین کتاب خود الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة معروف به اسفار تبیین کرد. پس از او سنت عقلانی شیعه تحت تأثیر آموزه های وی قرار گرفت و فیلسوفان متعددی از جمله ملاهادی سبزواری، آقا علی مدرس زنوزی و علامه طباطبایی به شرح اندیشه های او پرداختند. اصالت وجود اساس مکتب فکری اوست و نظریه اش درباره چگونگی معاد جسمانی مناقشات برانگیخته است.

صدرالدین شیرازی شاگرد میرداماد و شیخ بهایی است و فیض کاشانی و عبدالرزاق لاهیجی را از معروف ترین شاگردان او دانسته اند. او در شیراز، اصفهان و قم زندگی می کرد و در کنار آثار متعدد فلسفی، کتاب هایی نیز در زمینه تفسیر قرآن و شرح اصول کافی نگاشت.

بخش دوم: نظام تعلیم و تربیت ملاصدرا

از آنجا که موضوع اصلی هر نظام تربیتی انسان است. در مبانی فلسفی تعلیم و تربیت نظام صدرايي نیز به انسان با رویکردی وجودی نگریسته شده و از آن به (حکمت) تعبیر شده است. نظام تعلیم و تربیت از نگاه صدرالمتهلین نظام جامع و کاملی است که تمام قوای انسان را در بر می گیرد. در این نظام تنها به پرورش بعد روحانی و نفسانی زندگی انسان توجه نشده است، بلکه زندگی اجتماعی و دنیوی و تمام شئون آن نیز پسندیده است و باید مورد توجه قرار گیرد. همچنین در این نظام، انسان براساس حرکت جوهری، تحول جوهری و گوهری دارد و برنامه های تربیتی نیز باید بگونه یی باشد که تمام وجود او را متحول سازد.

بخش سوم: اصول تربیتی ملاصدرا

بند اول: اصل تجرد نفس

ملاصدرا معتقد است که نفس ناطقه ی انسانی جوهری مجرد است که از نظر ذات، کمال و بالفعل است و برای وجود کمالی و بقایی خود احتیاج به چیزی ندارد زیرا وجود عقلی و مجرد جمیع آن چه را که برای آن لازم است به نحو بالفعل دارا است و ابتدا و غایت آن یکی است پذیرفتن تجرد نفس انسانی از معارف بلند قرآن و فلسفه اسلامی است. (فهیم، ۱۳۹۴)

بند دوم: النفس فی وحدتها کل القوا

یکی دیگر از اصول بنیادین در تعلیم و تربیت اصل « النفس فی وحدتها کل القوا » است. که یکی از نتایج وجودشناسی انسان است. ملاصدرا معتقد است که چون نفس از سنخ ملکوت است، دارای وحدتی بنام وحدت جمعیه است؛ یعنی وحدتی که در عین وحدت و بساطت، جامع جمیع مقامات و مراتب جمادی، نباتی، حیوانی و عقلانی است. پس نفس انسان در مرتبه ذات، هم عاقل، هم متخیل و هم حساس است: « ان النفس الانسانیة لکونها من سنخ الملکوت فلها وحدة جمیعة هی ظل للوحدة الالهیة فهی بذاتها عاقله و متخیله و حساسة و منمیة و محرکه و طبیعة ساریة فی الجسم. »

بسوی کمال مطلق ارتقا می یابد. «اعلم ان نفس الانسان جسمانية الحدوث روحانية البقاء اذ استکملت و خرجت من القوة الى الفعل» در نتیجه، اینکه روح و بدن، دو درجه از وجود هستند و روح، جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء می باشد، بیانگر این است که روح و بدن، دو مرتبه از یک حقیقتند و بنابراین سلامت و پرورش جسمانی، در سلامت روح و پرورش روح دخالت دارد. از این رو، نظام تعلیم و تربیت باید هم ناظر به تربیت روح و هم ناظر به پرورش جسم باشد. (ملاصدرا، ص ۲۲۱، ۱۳۶۰)

بند چهارم: اصل ارتباط آزادی و عقلانیت

یکی دیگر از اصول بنیادی در تعلیم و تربیت، بحث آزادی است. آزادی و اختیار چه در اسلام و چه در عالم غرب از بحثهای جنجال برانگیز بوده و همچنان نیز لاینحل باقی مانده است. اصل آزادی نه تنها در مباحث فلسفی و انسان شناسی، بلکه در مباحث جامعه شناسی، سیاست، فرهنگ، روانشناسی و تعلیم و تربیت نیز مورد بحث واقع می شود.

بحث آزادی یکی از مباحث مهم در تعلیم و تربیت است؛ اینکه انسان را موجودی بدانیم که قادر به مهار رفتار سازنده ی سرنوشت خود می باشد؛ موجودی که برای سرنوشت خود تصمیم می گیرد و خود و محیطش را مهار می کند؛ اینکه او را موجودی بدانیم که نه تنها تحت تأثیر شرایط و غرایز یا سایر انگیزه ها قرار نمی گیرد، بلکه برخلاف حیوان، از خاصیت آینده نگری برخوردار است و آینده را پیش بینی می کند و آن را تحت تأثیر قرار می دهد یا آنکه او را موجودی بدانیم که تنها به محرکهای محیط پاسخ می دهد و این محرکها تعیین کننده رفتار و سازنده شخصیت فعلی او می باشد. و وی نسبت به رفتارهای خود مختار نیست، در تربیت شخص تأثیر بسیار شگرف و مهمی خواهد داشت. ملاصدرا انسان را موجودی مختار و آزاد می داند. زیرا براساس اصالت وجود و حرکت تدریجی و تکاملی نفس، تنها انسان است که در هیچ مرحله ی محبوس نمی شود، بلکه می تواند از مراتب گوناگون بگذرد و دارای آزادی حرکت در تمام مراحل تکاملی خویش باشد. این معنا از آزادی را اولین بار ملاصدرا با توجه به دو اصل بنیادین خود، یعنی اصالت وجود و خودآفرینی انسان یا عبارت دیگر حرکت جوهری نفس بیان می کند: «من اراد الحکمة فلیستحدث لنفسه فطرة ثانیة.» (تفسیر آیه نور، ص ۱۶۲).



بند پنجم: نظریه ی حرکت جوهری

براساس نظریه ی حرکت جوهری، اهمیت تعلیم و تربیت در حکمت متعالیه معلوم می شود. زیرا آنچه در تعلیم و تربیت یا آموزش و پرورش رقم می خورد، تحول جوهری و وجودی انسان است؛ عبارت دیگر تعلیم و تربیت مستلزم تحولات ذاتی در انسان است.

ملاصدرا برخلاف دیگر فیلسوفان، حقیقت نفس آدمی را دارای تکامل حقیقی و وجودی می داند، بطوری که از مرتبه یی از وجود آغاز کرده و به مرتبه یی دیگر ختم می کند و زیربنای تکامل نفس آدمی را حرکت جوهری می داند. هر فردی مستعد تغییر و تحول با استعدادهای متفاوت است و این یعنی نیاز به آموزش و پرورش. شکوفایی و فعلیت یافتن قوا و استعدادهای فرد، تدریجی است. انسان گام به گام هستی می یابد تا اینکه انسان کامل گردد (ملاصدرا، ۱۳۹۲، ص ۳۳۲). این صیورورت و استکمال تدریجی ازمرحله جمادی آغاز، و با طی مراحل عقل بالقوه و بالملکه به وسیله علوم و معارف کامل می شود. (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ص ۵۴)

بخش چهارم: مبانی تربیتی ملاصدرا

بند اول: مبنای انسان شناسی

ملاصدرا با اصول مهمی که در بنیاد اندیشه انسان شناسی خود بنا نهاد، توانست تصویری پویا و جامع و تکامل یافته تری را در مقایسه با اندیشه های انسان شناسی پیشین ترسیم کند. ملاصدرا سلوک عقلی خود را در هستی شناسی، بر مبنای چهار سفر معنوی انسان (سالک الی الله) مرتب کرده است. تا آنجا که دو جلد از نه جلد اسفار او، به سیر تکامل و تحولات انسان، از ابتدا تا انتها اختصاص یافته که نشان دهنده اهمیت و جایگاه انسان شناسی در فلسفه ملاصدراست. ملاصدرا انسان را خلیفه الهی و دارای جامعیت می داند. او اعتقاد دارد که مبدأ خلافت فرد انسانی، در زمین است و در ابتدای خلقت، انسان در مرتبه «عقل هیولایی» قرار دارد و استعداد یافتن تمام حقایق و رسیدن به مقام خلافت الهی را در ملک و ملکوت داراست. سپس، انسان با «حرکت جوهری» و در نهایت، «عقل مستفاد» برسد. جامعیت انسان به واسطه روح الهی بوده که در وی دمیده شده است. ملاصدرا انسان را از جسم مادی و نفس مجرد می

داند و حقیقت انسان را نفس مجرد تلقی می‌کند. حیات انسان با پیدایش جسم آغاز می‌شود و تا جسم انسانی در جهان طبیعت خلق نشود، وجود آدمی تحقق نمی‌یابد. از دیدگاه ملاصدرا، پیدایش نفس که حقیقت اوست مرحله‌ای از تکامل جسم است، به عبارت دیگر، حقیقت انسان نفس است؛ ولی نفس چیزی جدای از جسم نیست.

بند دوم: مبنای معرفت شناسی

معرفت شناسی رشته‌ای از فلسفه است که به بررسی معرفت می‌پردازد. بدین ترتیب، وظیفه فیلسوف معرفت شناس، بررسی و تبیین ماهیت معرفت است. ملاصدرا در بحث‌هایی که انجام می‌دهد، مبنای معرفت شناسی خود را روشن می‌کند. وی نظریات جدیدی را در زمینه معرفت شناسی عرضه کرده و از این رهگذر، به معضلات و پرسش‌های فراروی فیلسوفان مسلمان در حوزه شناخت شناسی، پاسخ‌های جدیدی داده است؛ ولی این نظریه ملاصدرا، به صورت منسجم و هماهنگ در سایر آثارش بیان نشده است. وی در ضمن مباحثی از قبیل وجود ذهنی، معقولات ثانیه، کلی و جزئی، اعتبارات ماهیت، مقولات، عقل و معقول و علم النفس فلسفی، درباره موضوعات معرفت شناسی خود بحث کرده است.

بند سوم: مبنای هستی‌شناختی

برخی از این اصول و مبانی عبارتند از :

۱- اصالت وجود و اعتباریت ماهیت، یعنی اصل در موجودیت هر چیزی وجود است و ماهیت تابع آن است. (اسفار، ج ۱، ص ۴۴).

۲- تشخیص هر چیزی، یعنی آنچه هر موجودی را از سایر موجودات جدا و متمایز می‌کند، وجود خاص اوست، به طور کلی، وجود و تشخیص در حقیقت، مصداق یک چیزند و تنها در مفهوم متغایرند. (همان، ص ۱۸۶).

۳- تشکیک در وجود، به این معنا که طبیعت وجود به نفس ذات خود قابلیت اتصاف به شدت و ضعف، تقدم و تاخر و کمال و نقص را دارد. شدت، کمال و شرافت وجود کامل به خود آن وجود است نه چیزی



غیر از وجود، چون غیر وجود یا عدم است یا ماهیت، عدم منشا نقص و ضعف است نه شدت و کمال، ماهیت نیز بنابر اصل اول امری اعتباری است و تحققش تحقق ظلی و تبعی است. (همان، ص ۱۸۶)

۴- اصل حرکت جوهری، به این معنا که جواهر مادی، همان گونه که در اعراض متحولند، در اصل ذاتشان هم تحول می پذیرند. (همان، ص ۱۸۶-۱۸۷)

۵- حقیقت هر موجودی که مرکب از ماده و صورت است به صورت اوست و ماده تنها حامل قوه و امکان شیء است، حتی اگر فرض شود که صورت شیء مرکبی بدون ماده بتواند تحقق داشته باشد، آن شیء به تمام حقیقتش می تواند موجود باشد. بر این مبنا انسانیت انسان به صورت انسان و در اصطلاح منطق به فصل اخیر، یعنی نفس ناطقه اوست و سایر فصول و اجناس از لوازم غیر یعنی آنچه متعلق جعل باری است وجود است، پس فصل یا صورت - تمایزشان اعتباری است - که اصل وجود و حقیقت هر چیزی هستند، متعلق جعل و آفرینش قرار می گیرند. (همان)

بخش پنجم: مروری کوتاه بر زندگی جان دیویی

جان دیویی در سال ۱۸۵۹ یعنی در سالی که کتاب اصل انواع چارلز داروین منتشر شد، در شهر برلینگتون در ایالت ورمونت آمریکا دیده به جهان گشود. (گوتک، ترجمه پاک سرشت، ۱۳۹۱، ص ۱۱۷). جان دیویی به همراه پیرس و ویلیام جیمز متفکرانی بودند که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم جنبش فلسفی پراگماتیسم را ایجاد کردند. پراگماتیسم دیدگاه، روش و فلسفه ای است که نتایج عملی افکار و عقاید را به عنوان معیار تعیین ارزش و صدق آنها به کار می برد و بنا به تعریف ویلیام جیمز دیدگاهی که از آغاز اشیا، اصول، مقولات را کنار می گذارد و به غایت اشیا، دستاورد، نتایج و واقعیات عملی توجه می کند. آن طور که دیویی تأکید می کند. قدرت هر نظریه به این است که تا چه حد در حل مشکل موفق باشد. البته همیشه ما باید این آمادگی را داشته باشیم که نظریه دیگری جایگزین آن شود که عملکرد آن از نظریه فعلی بهتر است. دیویی در تفکر و فلسفه آمریکایی و نیز در تحولات مهم آموزش و پرورش در قرن بیستم، دارای نقش برجسته ای بوده است و بسیاری از کتابهای وی به زبانهای مختلف ترجمه و چاپ شده است. دیویی عاقبت در سال ۱۹۰۲ بعد از ۹۳ سال عمر طولانی و پربار که حاصل تفکرات فراوان وی بود در آمریکا دیده از جهان فرو بست. (دیویی، ۱۳۳۳، ص ۱۳۲)

بخش ششم: اصول تربیتی جان دیویی

بند اول: اصل فعالیت (یادگیری فعال)

بزرگترین مدافع مکتب فعال جان دیویی است که این طرز فکر بر سراسر نظام فلسفی او سایه افکنده و آثار آن در فلسفه آموزش و پرورش وی بخوبی نمایان است. به نظر دیویی یکی از مهمترین اصول تعلیم و تربیت مشارکت فعال متربی در فرایند یادگیری است و دانش آموز مطالبی را واقعاً یاد می گیرد که آن را شخصاً تجربه کند و این فعالیت برخاسته از علاقه او به موضوع و نیازی باشد که او برای دانستن و یادگرفتن آن مطالب در خود احساس می کند. شعار آموختن از راه عمل به همین معنا است که دیویی آن را روش حل مسئله دیویی خوب بودن روش آموزشی را منوط به تحریک فعالیت و انعطاف پذیری در برخورد با حوادث غیر منتظره، احساس مسئولیت و وحدت کودک می داند.

یادگیری در مکتب پراگماتیسم زمانی روی می دهد که به روش فعال باشد. یادگیری به طور انفرادی یا گروهی به حل مسئله می پردازد. این مسئله به علاوه موضوعات درسی در پاسخ به دنیایی متغیر و در حال تغییر است. برای یادگیرنده مهمترین وظیفه این است که فرایند حل مسئله را در روش عقلانی دریابد.

بند دوم: اصل پیوستگی تجربه (اصل ادامه)

بر اساس اصل پیوستگی، هر تجربه امری را از تجربیات قبلی می گیرد و از یک طریقی و به نحوی در تجربیات آینده تاثیر می گذارد. با توجه به این اصل تجربیات تربیتی در مدرسه می بایست با تجربیات پیشین شاگردان متناسب باشد و باعث رشد آنها در زمینه های مختلف تجربی شود بر همین اساس است که جان دیویی گاهی تعلیم و تربیت یا همان جریان تربیتی را عین و مثابه رشد عنوان می کند.

در صورتی که عادات رو از جنبی زیست شناسی ترجمه کنیم، این اصل متکی بر عادات است. اصل ادامه تجربه یا پیوستگی تجربه به این معناست که هر تجربه چیزی از تجربیات گذشته میگیرد و به نحوی در تجربیات آینده تاثیر میگذارد. به این معنا که تغییراتی که تجربیات پیشین انسان در زمینه های ارتباطی و علمی به وجود آورده است شرایطی را که تجربیات بعدی در آن صورت می گیرد به کلی دگرگون می کند.



باید متوجه شرایط عینی یا خارجی هم بود اثر که این شرایط در تجربیات پیشین فرد دارند باید در نظر گرفت و در تربیت این شرایط که از لحاظ اجتماعی و جلب نظر مادی باید عوامل موثر در رشد را به خاطر سپرد. (شریعتمداری، ص ۲۵۶، ۱۳۹۱)

یک هدف حقیقی همیشه با یک انگیزه آغاز می شود. ممانعت اجرای فوری انگیزه است که آن را به میل یا خواست تبدیل می کند. با وجود این نه انگیزه و نه میل و خواست هیچکدام هدف نیستند، هدف یک پایان نگری است، یعنی، مستلزم پیش بینی درباره نتایجی است که عمل کردن از رو انگیزه به بار می آورد. پیش بینی نتایج متضمن فعالیت عقل است که در درجه اول نیاز به مشاهده شرایط و اوضاع و احوال عینی دارد، زیرا انگیزه و خواست تنها خود نیستند که نتایجی به بار می آورند بلکه با تاثیر متقابل یا همکاری با شرایط موجود این کار را انجام می دهند. بنابراین، مشاهده شرط لازم برای تبدیل انگیزه به هدف است. همان گونه که با دیدن خط راه آهن باید بایستیم، نگاه کنیم، گوش بدهیم و سپس عبور کنیم. اما مشاهده به تنهایی کافی نیست. ما باید اهمیت هر آن چه را می بینیم، می شنویم و لمس می کنیم درک نماییم. این اهمیت عبارت است از نتایجی که از عمل کردن بر روی آنچه دیده می شود به بار آید (دیویی، ترجمه میر حسنی، ص ۷۹، ۱۳۶۹)

بند سوم: اصل تاثیر متقابل

همان گونه که باید شرایط عینی و خارجی را لحاظ کرد می بایست شرایط درونی فرد را نیز مورد توجه قرار داد شرایط عینی و خارجی دو عامل مهم در تجربه هستند اصل تاثیر متقابل رابطه بین این دو عامل را مشخص میکند تجربه معمولی نتیجه تاثیر متقابل این دو عامل است این دو عامل باهم یا تاثیر متقابل آنها در یکدیگر موقعیت را تشکیل می دهند اصل ادام یا پیوستگی تجربه و اصل تاثیر متقابل قابل تفکیک از هم نیستند هستند اما در عین حال وحدت دارند که از یکدیگر جدا نیستند و جنبه های عرضی و طولی تجربه را تشکیل می دهند تکامل شخصیت فرد وقتی صورت می گیرد که تجربیات گذشته حال و آینده او با هم ارتباط داشته باشند. (خلیل میرزایی، ۱۳۹۶)

بند چهارم: اصل مربوط به کنترل اجتماعی

از آنجا که هر فرد در جامعه تا حد بسیاری تحت کنترل اجتماعی است و اینکه این کنترل به صورت محسوس آزادی این شخص را محدود می‌کند هر بازی خصوصیاتی دارند که افراد را کنترل میکند اول اینکه قوانین قسمتی از بازی هستند و جزء بازی محسوب می‌شوند اگر قوانین وجود نداشته باشند بازی هم تحقق پیدا نمی‌کند قوانین مختلف بازی‌های مختلف به وجود می‌آورد اما در حین بازی بچه‌ها حس میکنند که عامل از خارج اعمال آنها را کنترل میکند در مدرسه معلم کنترل فرد را به حداقل تقلیل می‌دهد و به جای اجرای تمایلات شخصی کوشش می‌کند تصمیمات گروهی را به موقع به اجرا درآورد مرد است نشان می‌دهد که تعلیم و تربیت یک جریان اجتماعی هر چه حالت جمعی و گروهی بیشتر تحقق پیدا کند کیفیت کار معلم و شاگردان ارزش تربیتی بیشتری خواهد داشت. (خلیل میرزایی، ۱۳۹۶)

بند پنجم: اصل آزادی

دیویی معتقد است: «آزادی که دارای اهمیت همیشگی و مداوم است آزادی فهم است یعنی آزادی مشاهده و قضاوت که به خاطر اهدافی صورت می‌گیرد که ذاتاً با ارزش هستند فکر می‌کنم که متداول ترین اشتباهی که درباره آزادی میشود یکی دانستن آن با آزادی حرکت یا جنبه خارجی و فیزیکی فعالیت است اما این جنبه خارجی و فیزیکی فعالیت را نمی‌توان از جنبه درونی آن یعنی آزادی اندیشه و میل و هدف جدا کرد.» (ترجمه میرحسینی ۱۳۶۹ ص ۷۱)

از نظر جان دیویی تنها آزادی، آزادی عقل است آزادی عقل هم وقتی محقق می‌شود که فرد بتواند قضایای مختلف را مشاهده و بررسی کند به طور دقیق هدف‌های اساسی و با ارزشی برای خود انتخاب کند و با استفاده از وسایل موجود برای رسیدن به اهداف خود اقدام کند جان دیویی از چند جنبه مختلف آزادی را مورد بحث قرار می‌دهد به طور مثال آزادی حرکت یا آزادی‌هایی که مربوط به محیط خارجی فرد است در مقابل این نوع آزادی از آزادی درونی به معنای آزادی فکر و تمایل و هدف نیز بحث میکند و معتقد است که این دو نوع آزادی کاملاً به یکدیگر مربوط هستند شخص با استفاده از آزادی طبیعت خود را آشکار می‌کند و از این طریق معلم بهتر می‌تواند شاگرد خود را بشناسد و موجبات رشد بیشتر او را فراهم کند بنابراین کار مدرسه فقط انتقال معلومات یا اجبار شاگردها به حفظ مطالب و نقل آنها نیست و



مطیع و منقاد بار آوردن شاگردان با روح تعلیم و تربیت سازگاری ندارد بلکه در مدرسه باید موجبات رشد بیشتر فرد از جنبه های شخصی و اجتماعی فراهم شود. (خلیل میرزایی، ۱۳۹۶)

بند ششم: اصل مربوط به هدف

آزادی با تعیین هدف و به اجرا درآوردن آن ارتباط تنگاتنگ دارد این نوع آزادی همانند تملک نفس یا کنترل خود می باشد به این دلیل که مشخص کردن هدف و سازمان دادن وسایل برای اجرای آن کار عقل و خرد است افلاطون در تعریف برده گفته است: برده کسی است که هدف دیگری را به معرض اجرا درآورد هدف به منزله یک نقطه نهایی است یعنی متضمن پیش بینی نتایج است که در اجرای محرک درونی ظاهر می شود و پیش بینی نتایج، کار عقل و خرد است. (خلیل میرزایی، ۱۳۹۶)

بند هفتم: اصل تغییر

مهمترین اصل عملگرایان اصل تغییر است که مطابق آن همه چیز در جهان در حال تغییر و تحول است و هیچ چیز ثابت و واقعیت پایدار نیست (ابراهیم زاده، ص ۱۸۸، ۱۳۸۰). دیویی پراگماتیسیست هم در این خصوص با پراگماتیسم ها هم عقیده است. و در این باره به صراحت آورده است که نباید از هیچیک از دو اصل غافل شد: «آموزش و پرورش جریانی است متغییر که تا پایان حیات فرد انسان ادامه می یابد» (دیویی، ص ۵۵، ۱۹۱۶). حتی علم نوین را دقیقاً به معنی جستجوی روابط بین تغییرات در پدیده های طبیعی می داند و آن را در مباحث تربیتی در نظر داشته، و در مورد اخلاق، اجتماع، اهداف، برنامه درسی و تجربیات به وضوح تغییر را مد نظر قرار می دهد.

۱-۶- اعتقاد به تغییر در اخلاق: غایات ثابت اخلاقی پذیرفتنی نیست بلکه حرکت به سوی کامل شدن است. حرکتی که هیچگاه پایانی برای آن قابل تصور نیست. (دیویی، ترجمه ابوسعیدی، ۱۳۳۷).

۲-۶- اعتقاد به تغییر برنامه درسی و روش تدریس: به گفته پاتنام، دیویی معتقد بود که حل یک مساله همیشه موقتی و خطا پذیر است. (خلیل میرزایی، ۱۳۹۶)

۳-۶- اعتقاد به تغییر در تجربیات: اولاً باید گفت تجربه همان فرد با محیط است و این تعامل هر لحظه نو به روز و دچار تغییر و دگرگونی میشود تا جایی که دیویی تعلیم و تربیت را این چنین تعریف نموده

است: سازمان تجربیات انسان باید همواره تجدید شود و تجدید مستمر تجربیات مفهومی معادل تعلیم و تربیت خواهد بود. (باقری و عطاران، ص ۱۳۷۶، ۱۱۷).

۴-۶- اعتقاد به تغییر در اهداف: هدفها و وسایل آموزشی و پرورشی باید پیوسته آماده تغییر شیوه های کار خود باشند. (نلر، ترجمه بازرگان، ص ۲۵، ۱۳۹).

بخش هفتم: مبانی تربیتی دیویی

بند اول: مبنای انسان شناسی

از دیدگاه دیویی، انسان موجودی زیستی و پیوسته با جهان است. انسان جدا از طبیعت نیست، بلکه جزئی از طبیعت و دائما با آن است. این موجود زیستی همواره تحت تأثیر محیط طبیعی و اجتماعی خود قرار دارد؛ چون در اجتماع زندگی می کند و واحدی از اعضای جامعه انسانی است. پس با وجود تفاوت های گوناگون فردی به همدیگر پیوسته اند و مدام در تأثیر و تأثر متقابل با یکدیگر قرار دارند. فکر فرد در مسیر جمع به کار می افتد، یعنی اندیشه فرد انعکاسی از اندیشه اجتماع در اوست. (دیویی، ترجمه آریانپور، ۱۳۲۸، ص ۱۰) برای انسان وجودی غیرمادی و مجرد قائل نیست، به نظر او روح غیرمادی و متمایز از بدن وجود ندارد. (سجادی، ۱۳۸۰، ص ۱۵۹) به عقیده دیویی انسان زادی انتخاب ندارد، و باید در جریان امور و وقایع با فعالیت خود دخالت کند و از این طریق آنها را به نفع خود بکار گیرد. (ابراهیم زاده، ۱۳۸۲، ص ۲۱۱)

بند دوم: مبنای معرفت شناسی

نظریه پراگماتیستی دیویی بر خلاف همه نظریه های شناسایی بر آن است که بین شناسایی و فعالیت های عملی همبستگی و استمرار وجود دارد و این همبستگی و استمرار برای سازگاری انسان با محیط و دوام حیات انسانی لازم است؛ به بیان دیگر معرفت حقیقی این است که جزو تجربه ما باشد و باعث شود که محیط را با نیاز خود سازگار سازیم و غایات و خواسته های خود را با محیط زندگی خویش آشتی دهیم. دیویی می نویسد معرفت حقیقی از تجربه برمی خیزد و در تجربه تأیید و تکمیل می شود. معرفت



بر کنار از تجربه و دانش نیست. بنابراین باید تضادهای نظریه شناسایی را به چیزی نگرفت و به همبستگی و استمرار فعالیتهای ذهنی و عینی انسان اعتقاد پیدا کرد. (قاسمی، ۱۳۳۸، ص ۳۴)

بند سوم: مبنای هستی شناسی

دیویی به جای پرداختن به مسائل مابعدالطبیعی به مسائل معرفت شناسی پرداخته است. به نظر او همچون عملگرایان دیگر، شناخت، وجهه آزمایشی دارد و بر پایه شعور متعارف از همان روش علمی یا عمل کامل تفکر پیروی می کند.

از آنجا که دیویی منکر آرمانها می شود غایات ثابت را نیز نمی پذیرد. از نظر او اعتقاد به غایات ثابت باعث بروز تعارضات فراوانی میشود و وجود غایات پایان ناپذیر دلیل این است که هدف مستقل و کامل و ثابتی وجود ندارد. نفی آرمانها و خیر برین در تفکر دیویی ملازم نفی ؛ مطلق ها است به عبارت دیگر انتقاد از نظام سازی در مابعدالطبیعه، همه از این امر سرچشمه می گیرد. (قاسمی، ۱۳۸۶، ص ۳۶ و ۳۷)

بخش هشتم: مقایسه مبانی تربیتی ملاصدرا و دیویی

۱- انسان شناسی دیویی

- انسان به وسعت تجربه او، و فاقد روح است.
- انسان فاقد اختیار است بلکه در جهت این آزادی تلاش میکند.
- اعتقاد به ناخودآگاه و آن را در اوضاع اجتماعی دانستن. بنابراین، رشد برای او جنبه اجتماعی دارد.

۲- انسان شناسی ملاصدرا

- انسان دارای دو بعد روح و جسم است. روح و بدن، دو درجه از وجود هستند و روح، جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء می باشد، به این معنا که روح و بدن، دو مرتبه از یک حقیقتند و بنابراین سلامت و پرورش جسمانی، در سلامت روح و پرورش روح دخالت دارد. از این رو، نظام تعلیم و تربیت باید هم ناظر به تربیت روح و هم ناظر به پرورش جسم باشد.

– انسان را موجودی مختار و آزاد است. زیرا براساس اصالت وجود و حرکت تدریجی و تکاملی نفس، تنها انسان است که در هیچ مرحله‌ی محبوس نمی‌شود، بلکه می‌تواند از مراتب گوناگون بگذرد و دارای آزادی حرکت در تمام مراحل تکاملی خویش باشد.

بند اول: وجوه اشتراک

ملاصدرا از نظر هستی‌شناسی وحدت‌گراست و قائل است معرفت به معنای علم و آگاهی و امکان شناخت آن می‌باشد. ادراک حسی را ضعیف‌ترین مرتبه شناخت می‌داند و اصل اراده در انسان را می‌پذیرد. اصولی همچون همراهی علم و عمل و فعالیت را قبول می‌کند. دیوبی نیز معتقد است اساس تحلیلها طرد ثنویت و وحدت‌گرایی است. معنای معرفت علم و آگاهی و امکان شناخت آن است. قائل است که شناخت از طریق ادراک حسی صورت می‌گیرد. اصل اراده در انسان را می‌پذیرد و اصول تلازم عمل با علم و اصل فعالیت را قبول دارد.

بند دوم: وجوه افتراق

ملاصدرا از نظر هستی‌شناسی، خداجویانه است. و معتقد است شناخت محصول رشد و تقرب الهی است. نگاه تربیتی او به انسان، فراگیر و در بردارنده همه ابعاد وجودی اوست. اراده انسان آزاد است. اصل همراهی علم و عمل گام اول در راه کمال معنوی است. غایت تربیت رسیدن به سعادت و قرب الهی است. اما دیوبی از نظر هستی‌گرایی، دنیا‌گرا است و قائل است شناخت وسیله حل مسئله است و وجهه‌ای مادی دارد. و انسان موجودی غیر مادی و به وسعت تجربه خود است. اراده انسان در قید دانش و فناوری است. و اینکه اصل تلازم عمل با علم راه رسیدن به هدف نهایی تربیت است. دیوبی فاقد اهداف غایی و ثابت در تربیت است.



بند سوم: از نظر اصول تربیت

در زمینه اصول همانندیها و تفاوتیهایی بین آرای این دو متفکر هست که در رأس همه اصل همراهی علم و عمل است. ملاصدرا در بحث علم معتقد به همراهی علم با عمل است و عمل به علم را گام نخست در راه کمال معنوی میداند و میگوید تا عمل نباشد، علمی نیز در کار نیست و این می تواند همان چیزی باشد که دیویی به آن پرداخته است. اما عمل به علم را راه رسیدن به هدف نهایی تربیت میداند. اصل دومی که مورد قبول هر دو است، اصل فعالیت است.

نتیجه گیری:

بنابر آنچه گفته شد ملاصدرا مسلماً از آن جهت فیلسوفی متأله و مسلمان است و به سبب ژرف اندیشی هایش در علوم الهی و خداشناسی فلسفی و عرفانی و نیز به دلیل تبحر در منابع فلسفی و دینی یعنی حکمت مشاء، اشراق، آثار متکلمین و عرفا و بویژه منبع آسمانی قرآن کریم و سنت اسلامی به صدرالمآلهین شهرت یافته است. بنابر این طبیعی است که اندیشه های وی در قلمرو تعلیم و تربیت ناگزیر تحت تأثیر همین فضای عقلی دینی باشد. از طرف دیگر جان دیویی در میان فیلسوفان غربی در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت سرآمد است.

در مبانی تربیتی بین آن دو اختلافات فراوانی هست؛ همچون اعتقاد به خدا، مختار بودن انسان و دو بعدی بودن او از نظر ملاصدرا و عدم آزادی اراده و مادی محض بودن انسان توسط دیویی. از طرفی در برخی مبانی مانند توانایی انسان برای شناخت اشتراک نظر دارند. از مشترکات این دو متفکر در اصول تعلیم و تربیت میتوان به دو اصل مهم و اساسی تلازم علم و عمل و اصل فعالیت اشاره کرد. یکی دیگر از محوریتترین دیدگاههای اختلافی دیویی و ملاصدرا در تعیین اهداف است که ملاصدرا، قرب الهی را هدف نهایی و دیویی تحقق جامعه دموکراتیک را هدف نهایی آموزش و پرورش معرفی می کند و این در حالی است که این دو اندیشمند اهداف میانی را با توجه به مبانی خود در هدف های نهایی در نظر دارند.

منابع و مآخذ

- ۱- صدرالدین محمد شیرازی، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج ۱، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۱۰.
- ۲- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، المظاهر الالهیه، ترجمه و تعلیق سید حمید طبیبیان، تهران، نشر امیرکبیر.
- ۳- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم، اسرار الایات، ترجمه محمد خواجوی، تهران، انتشارات مولی.
- ۴- ملاصدرا، تفسیر قرآن، ج ۴، تصحیح محمد خواجوی، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۶۰.
- ۵- ملاصدرا، الاسفار الاربعه، تصحیح، تحقیق و مقدمه رضا اکبریان، باشراف استاد سید محمد خامنه ای، تهران، انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۲، ج ۹.
- ۶- علی شریعتمداری، اصول و فلسفه تعلیم و تربیت، چاپ پنجاه و سوم، موسسه انتشارات، امیرکبیر، تهران ۱۳۹۱.
- ۷- ملاصدرا، تفسیر آیه نور، با ترجمه و تصحیح محمد خواجوی، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۶۲.
- ۸- خامنه ای، سیدمحمد؛ تربیت فلسفی و فلسفه تربیت، تهران، نشر بنیاد حکمت اسلامی صدرا، چاپ اول، ۱۳۸۹.
- ۹- دیوبی، جان، مدرسه و شاگرد، ترجمه‌ی مشفق همدانی، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه، ۱۳۳۳.
- ۱۰- باقری، خسرو؛ عطاران، محمد، فلسفه تعلیم و تربیت معاصر، بی جا، محراب قلم، ۱۳۷۶.
- ابراهیم زاده، عیسی، فلسفه تربیت (فلسفه آموزش و پرورش)، تهران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲، ۱۱-نلر، جی. اف. آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه فریدون بازرگان دیلمقانی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۹۱.



۱۲- خلیل میرزایی، احمد کرم‌اج، هوشیار رشیدی، بررسی تطبیقی اندیشه‌های تربیتی جان دیویی و خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۳۹۶.

۱۳- فهیم، محسن، سمیه عظیمی، فاطمه دولت آبادی، بررسی شناخت تربیت فلسفی انسان از دیدگاه ملاصدرا، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال اول، پیاپی (۲۸)، ۱۳۹۴.

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند

پنجمین همایش علمی - پژوهشی
مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و

www.Olomensani.ir **محورهای پذیرش مقالات** www.Ghanonyar.ir

تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ☒ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزشی و آموزش و پرورش ☒
 روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ☒ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت ☒

مکان و زمان برگزاری همایش کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱
مدیر اجرایی همایش دکتر شهلا رضایی
دبیر علمی و مسئول همایش دکتر بهنام اسدی

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران OLOMENSAI@YAHOO.COM
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، ایتا، سروش، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲
 دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
 (در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خاتم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵)











